

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

هفدهم مرداد امسال هم که از راه برسد، احتمالاً مشابه سال های گذشته بازار «تبریک» ها و « خسته نباشید » ها و «قلم هایتان مانا» و گل دادن ها داغ می شود.

آرزوهای خوب و حرف های زیبایی که یک روز از سال نثار این جماعت می شود و می رود تا سال دیگر. اما فواصل این سال و آن سال قرار است چگونه بگذرد؟ احتمالاً با خبر هایی که هر از چند گاهی از تعطیلی یک روزنامه، بسته شدن یک مجله، تعدیل نیرو های یک مجموعه و کم شدن صفحات و تیراژ آن ها به گوشمان می رسد.

● بوی بهبود ز اوضاع روزنامه نگاری نمی شنوم!

حالا دیگر مدت زیادی است که صدای ترق ترق استخوان روزنامه ها و نشریه های مکتوب را می شنویم. سروصدایی که با توسعه رسانه های مجازی و قیمت بالای کاغذ و گرانی های وحشتناک بازار چاپ و نشر بلند و بلندتر می شود. به این ها می توان چوب لای چرخ گذاشتن ها و مقابله به مثل هایی را هم اضافه کرد که مثل سدی محکم مقابل قلم ها می ایستد. همچنین ترکش هایی که از دور و از گوشه و کنار ها، از سوی جماعت ناموافقی که کلا نظری غیر از نظر خود را بر نمی تابند، به این قشر اصابت می کنند. حالا مجموعه سختی های را پیش رو با حضور کرونا دیگر حسایی کامل شده است. مصداق و نمونه هم زیاد دارد. تیر امسال بود که خبر تعدیل نیرو های روزنامه شرق به گوش رسید. روزنامه ای که انتشار آن از شهریور ۸۲ آغاز شد و در تمام این ۱۷ سال مخاطبان وفاداری را برای خود دست و پا کرده است. شرق البته پیش از این هم با مشکلاتی مثل کم کردن تعداد صفحات به دنبال گرانی کاغذ دست و پنجه

همه مایک «شهر وند» هستیم

بازمزمه تعطیلی یک روزنامه دوباره همان سؤال همیشگی و بی پاسخ "روزنامه نگاران تنها هستند؟" برایمان مطرح شد



مهرج محمدانینی | شهرآرا

موجود در حرفه روزنامه نگاری شد، بد نباشد نگاهی هم به رسانه مطالعه روزنامه ها بیندازیم. سال گذشته حول و حوش همین روزها و در چند روز مانده به روز خبرنگار بود که آمار ی از اوضاع روزنامه و روزنامه نگاری منتشر شد و مشخص کرد که ۷۸ درصد افراد ۱۵ تا ۴۰ سال کشور روزنامه فیزیکی نمی خوانند و کمتر از ۲۲ درصد افراد ۴۵ سال به بالا روزنامه کاغذی می خزند. در بخش دیگری از این آمار بیان شده بود که شمار رسانه های مجوزدار ایران (شامل پایگاه های خبری و مطبوعات کاغذی) ۱۱ هزار و ۴۰۰ رسانه است و از این تعداد ۵۷۰۰ رسانه فعال هستند و بقیه یا شروع به کار نکرده اند یا کار را رها کرده اند. از مجموع این رسانه های فعال هم ۱۰۰ رسانه مکتوب هستند. به این معنا که در انبوه بحران هایی که یقه روزنامه و روزنامه نگارها را گرفته است و با این اوضاع گرانی کاغذ و در شرایطی که روزنامه های زیادی به تعطیلی و تعدیل نیرو دست می زنند، حجم زیادی از رسانه های مکتوب فقط به صرف داشتن یک اسم، کلی از بودجه و یارانه کاغذ را به خودشان اختصاص می دهند، بدون اینکه خروجی ای ارائه دهند. حالا شاید جدا از همراهی همان اندک مردمی که لایه لای این همه رسانه های مجازی، هنوز از بوی کاغذ مست می شوند و در به در دنبال ورق زدن یک نشریه، مجله، کتاب و روزنامه هستند، باید روزنامه نگاران را در این و افسا جماعت تنهایی بدانیم، شبیه همان چیزی که پژمان موسوی سازمان متبوعش بر نمی گردد، بلکه درباره اخراج روزنامه نگاران موضع گرفته است؟ کدام هنرمند؟ کدام اهل موسیقی؟ کدام فعال کتاب؟ کدام تئاتری؟ کدام نویسند؟ کسانی که اگر هر کدامشان مطالبه ای داشته باشند، روزنامه نگاران با تمام وجود برایشان مایه می گذارند. این واقعیت روزگار ماست، روزنامه نگاران تنها هستند»

داشت، واکنش هایی که از یک دغدغه و نگرانی بزرگ تر دربار این حرفه حکایت دارد: «جسارت نگاه انتقادی و توجه به منافع جامعه اساس روزنامه نگاری است. خاموشی روزنامه شهروند فقط به سازمان متبوعش بر نمی گردد، بلکه به کل مفهوم روزنامه نگاری در ایران آسیب می زند، چون می خواهد نوعی روابط عمومی را در قالب اخبار خوب و سرخوش و بی ضرر، جایگزین روزنامه نگاری حرفه ای کند.»

● روزنامه هایی که هستند، ولی وجود ندارند! شاید حالا که صحبت از مشکلات

یک بودجه گم شده هفت هشت میلیاردی هم در این اتفاق به این داستان دامن زده است. با این حال یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران خطاب به رئیس جمعیت هلال احمر در واکنش به صحبتی که درباره این قضیه داشت، گفته بود «تکلیف این پول معلوم نیست» و نوشته بود که «اگر فساد ی بوده است، باید بر خورد شود و مفسد معرفی شود نه اینکه این موضوع بهانه ای شود برای تعطیلی روزنامه». این اتفاق البته واکنش عده ای از هم صنفان را هم در فضای مجازی در پی

می گذرد و این بار خبر تعطیل شدن یکی دیگر از روزنامه های کشور به گوش می رسد، روزنامه شهروند که نشریه رسمی جمعیت هلال احمر ایران است و از اسفند سال ۹۱ انتشار خود را آغاز کرده و تاکنون ۱۲ بار توقیف یا تعطیل شده است. با این حال، به نظر این بار قضیه جدی تر است و همین باعث شده است که واکنش هایی را در فضای مجازی ایجاد کند. واکنش هایی که شاید در عین تلخی اصل ماجرا، بتواند به همه به ویژه دوستداران تعطیل شدن رسانه های مکتوب اهمیت و جایگاه روزنامه و روزنامه نگاری را ثابت کند. به ظاهر

نرم کرده بود. با این حال، پژمان موسوی که از روزنامه نگاران همین روزنامه است، به دنبال این اتفاق یادداشتی را در روزنامه منتشر کرد که خطاب به مدیر مسئول روزنامه گفته بود: «این اتفاق راحت ترین راه مقابله با این بحران بوده است». جدا از روزنامه های پایتخت، نشریه هایی که در شهرستان ها هم منتشر می شود با این اتفاق ها روبه رو می شوند و نمونه اش یکی از نشریات طنزی بود که در جهرم منتشر می شد و حدود یک ماه پیش آخرین شماره اش را منتشر کرد. ● روزنامه نگاری روابط عمومی؟ حالا حدود یک سها از این اتفاق

Tweets



ابراهیم حیدری | عکاس
@ebrahimheidari

کارکنان درمانی زیر فشار زیاد کار و کمبود امکانات، یکی یکی دارن از دست می رن. #به_کادر_درمان_رحم_کنید تشییع علی منصور، از نیروهای خدماتی بیمارستان عیسی بن مریم اصفهان عکس از مرتضی صالحی



زاوش محمدی | فعال رسانه ای
@mohamadizavosh

روز ملاقات بود. خانواده های این ۲ #سرباز جوجه و منقل آورده بودند و کباب زدند و از پایین دیوار حمایتشان می کردند.



مرجان حاجی رحیمی | روزنامه نگار
@marjanhrahimi

در جزیره #هرمز چه خبر است؟ #قلعه پرتغالی ها را نوسازی می کنند نه مرمت.

متأسفانه در سال های گذشته به دلیل نبود گروه های کارشناسی و طرح های مرمتی، بیشتر پروژه های مرمتی به سمت نوسازی و بازسازی رفته است، نه مرمت و احیا.



این خبری است به ظاهر مهم!



زهراسکندریان

z.eskandarian@shahraranews.ir

این متن قرار است به ظاهر متن خیلی مهمی باشد، اما در واقع قرار است یکی دیگر از سوتی های صداوسیما را بررسی کند. متنی که قرار است به ظاهر نیم ستون از صفحه را پر کند اما در واقع کمتر از نیم ستون را پر کرده است. ماجرای ۲۴ ساعت گذشته به ظاهر شاد و آرام فضای مجازی هم همین بوده است. به ظاهر همه دستی بر این گاف رسانه ای برده اند و به ظاهر خیلی هم بازه بوده اند، ولی در واقع اصل موضوع از همه بازه تر بود. به ویژه آنجایی که عکس باراک اوباما با پوستی سفید منتشر شد. شاید گوینده خبر ساعت ۱۴ هم وقتی می گفت «رئیس جمهور به ظاهر سیاه پوست آمریکا» نمی دانست قرار است چه بلایی بر سر چهره باراک اوباما بیاید. خیلی ها نوشتند که اوباما سفید پوست بوده و خودش را برنزه کرده است، حالا یا با سولار یا با واکس! یکی دیگر نوشت که پس احتمالاً ترامپ هم به ظاهر سفید پوست است. بعد هم آن قدر این جمله بالا و پایین شد که رسید به ماجرای اینکه سوپ، غذا نیست و نوشتند: «سوپ خوراکی به ظاهر غناست». سردبیر بخش خبر ساعت ۱۴ صداوسیما بعد از اینکه دید فضای مجازی پر شده است از جملاتی مشابه با این جمله، عذر خواهی کرد و نوشت: «منظور از عبارت «رئیس جمهور به ظاهر سیاه پوست آمریکا» این بود که آقای اوباما فقط ظاهرش سیاه پوست است، اما مدافع حقوق سیاهان آمریکان نیست که به علت سهو در نگارش خبر، دچار کژتابی شد و برخی مخاطبان آن را به گونه ای دیگر برداشت کردند». این گاف رسانه ای باعث شد تا کاربران فضای مجازی دوباره مروری داشته باشند به سوتی های گذشته در صداوسیما و به ویژه بخش های خبری. در بخش های خبری صداوسیما از این لحاظ که بخشی جدی و خشک است، سوتی ها بیشتر دیده و شنیده می شوند و برای مردم جالب توجه ترند. مثلاً خیلی ها دوباره یاد حیاتی، گوینده خبر و جمله معروفش «به پایتخت سفر قطر کرد» افتادند. یا آن دفته دیگری که حثاتی داشت با صغری، کارشناس سازمان هواشناسی صحبت می کرد و می خواست درباره باران پیرسد، نام او را «آقای بارانی» صدا کرد. کاربری دیگر نوشته بود: «یادش بخیر وقتی المیرا شریفی توی شبکه خبر به جای موشک گفت پوشک چقدر خندیدیم!» و برخی دیگر به ماجرای گوینده خبری پرداختند که چون برگه های خبرش را گم کرده بود، جمله خبری خود را نصفه کاره رها کرد و بعد از چند ثانیه سکوت، با مخاطبان خداحافظی کرد!

شکل گوش های سگم را دوست ندارم

به سراغ دکتر کلینیک که پیکسلی با عکس سگ بر روی لباس سفیدش خورنمایی می کرد، رفتم. گفتم که می خواهم گوش های سگم را عمل کنی تا شکلی زیبا به خود بگیرد. با تعجب به من نگاه کرد و از پیشینه بیماری شنوایی یا وجود مشکلی خاص در سگ از من سؤالاتی پرسید، اما بعد آنکه آب پاکی را بر روی دست او ریختم و از هدفم یعنی انجام عمل زیبایی آگاه شد، گفت: «می دانید این کار چقدر برای حیوان دردناک است؟ ما هرگز چنین کاری انجام نمی دهیم، زیرا دایره شمول چنین عملی شکستگی گوش یا آسیب به شنوایی است.» از او درخواست کردم کلینیکی را به من معرفی کند که زیر بار انجام چنین عملی برود، اما ضمن غیرقانونی خواندن این گونه عمل ها گفت: «بعد می دانم در مشهد چنین کلینیکی را پیدا کنید. شاید در تهران بتوان چنین مکانی را پیدا کرد.» به کلینیک دیگری مراجعه کردم. بر روی صندلی انتظار نشسته بودم که مردی همراه با پسرش و سگ سفید و چاقی در دستانش که موهایش هم با گیره صورتی بسته شده بود، وارد کلینیک شد. در پاسخ به سؤالم از او که آیا حاضر است عمل زیبایی روی سگش انجام دهد، با صراحت جواب نه شنیدم. «من به دلیل ترس از ویروس کرونا جرئت نمی کنم سگ خود را بر روی زمین قرار دهم، بعد شما از عمل زیبایی یا من حرف می زنید؟ اگر سگ خود را دوست دارید، این کار را انجام ندهید. من همان گونه که حاضر نیستم خاری به چشمم بپریم، حاضر به انجام این کار درباره جسیکا (اشاره به سگ) هم نیستم.» پزشک این کلینیک هم عمل های زیبایی حیوانات را بسیار بی شرمانه و غیر انسانی دانست و گفت: «به شما پیشنهاد می کنم که از قلاده برای تربیت سگ خود استفاده کنید. همچنین مشاورانی داریم که با حضور در منزل به تربیت سگ شما کمک می کنند تا دیگر واق واقعی نکند. هزینه این دوره های آموزشی برای عجلسه دوساعته ۴۰۰ هزار تومان است و نتیجه کار تضمینی است.» در کلینیک بعدی و در گفت و گو با یکی از مراجعین کنندگان متوجه شدم او به تازگی افتادگی پلک سگ خود را عمل کرده است، اما نه برای زیبایی. او برای توضیح داد: «پلک سمت چپ سگم افتادگی آورده بود و به نوعی داشت بزرگ تر می شد و جلو چشمش را می گرفت. به صلاح دید پزشک این کار را انجام دادم که سگم بعد عمل خیلی آذیت شد و درد زیادی کشید. همچنین خیلی بدخلق و عصبی شده بود.» در این کلینیک با پزشکی جوان رو به رو شدم که مرا با لبخند به آغاز گفت و گو دعوت کرد، اما پس از مطرح کردن موضوع، لبخند از آغازین جای خود را به ابروهای گره کرده داد و به چشمانی که از تعجب چند برابر شده بود، گفت: «چگونه چنین فکری به ذهنتان خطور کرده است؟! اگر واقعا به سگ خود علاقه مند هستی، حتماً نباید درباره چنین موضوعی فکر کنید، چه رسد به اینکه بخواهید این کار را عملی کنید.» برای خواندن ادامه این گزارش از ایسنا، کد را



اسکن کنید. حتماً نباید درباره چنین موضوعی فکر کنید، چه رسد به اینکه بخواهید این کار را عملی کنید.» برای خواندن ادامه این گزارش از ایسنا، کد را



با اسکن این بارکد می توانید کلیپ مربوطه را ببینید